

نقشه های آمریکا برای عراق و سکوت اسرار آمیز سران ناسیونالیست کرد

با مقامات سیا و پنتاگون و وزارت دفاع آمریکا صورت گرفته است. آنچه که جای سوال است و موجب نگرانی از نظر منافع مردم میشود، انکار این ملاقاتها، سکوت در باره آنها و سری نگاه داشتن آنها است. نشریات انگلیسی زبان و عرب زبان از جمله شرقالوسط به اتکا آنچه خود "منابع موثق" نامیده است نوشته است که متعاقب سفر جلال طالبانی و بارزانی به آلمان در اواسط ماه مه امسال و دیدار با مقامات سیا، سفری از طریق وزارت دفاع آمریکا برای رهبران دو حزب مذکور به آمریکا ترتیب داده شده است. به نوشته شرقالوسط یک هواپیمای اختصاصی از وزارت دفاع آمریکا بارزانی و طالبانی را از فرانکفورت به ایالت جورجیا

صفحه ۲

آمریکا را در مبارزه علیه دیکتاتوری و برای دموکراسی بخورند. اما علیرغم کارنامه خونین نظم نون جهانی بوش پدر و پسر، هنوز در دایره "دوستان" آمریکا هستند جریانات و نیروهای که تمام امید و آینده خود را به حاکمیت آمریکا و دنباله روی کورکورانه از آن گره زده اند. در این میان طی یکی دو ماه گذشته ملاقاتها و جلسات مخفی و سری مختلفی بین نیروهای "اپوزیسیون" رژیم صدام- که از مجلس اعلا اسلامی عراق تا سران اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان عراق را در برمیگیرد-

کشتار بی رحمانه سربازان و مردم عادی عراق را در جریان بکار گرفتن مدرترین سلاحهای مرگبار و بمبارانهای ویرانگر از جانب آمریکا و متحدان آنرا نیز بر صفحه تلویزیونها مشاهده کرده بودیم. هم اکنون نیز صدها هزار کودک عراقی هنوز مدت کوتاهی از زندگی را تجربه نکرده در اثر تحریم اقتصادی اعمال شده توسط آمریکا و سازمان ملل چشم از جهان فرو میبندند. این "دموکراسی" دولت آمریکا و شیوه مجازات دیکتاتورهای از قبیل صدام حسین است. تصور نمیرود جز عدهای مفتون این نظم نون جناب بوش، فریب تبلیغات عوامفریبانه مقامات



ایرج فرزاد

در یکی دو ماه اخیر، بحث در باره نقشه های بوش علیه رژیم صدام حسین دوباره بصورت جدی تری طرح شده اند. اینکه دولت آمریکا چگونه دیکتاتوری صدام را با یک رژیم "دموکراتیک" و با چه شیوه هایی تعویض میکند، زیاد ناشناخته نیست. روشهای "دموکراتیک" آمریکا و کشورهای عضو ناتو را در یوگوسلاوی پیشین دیدیم. قبل از آن در جریان جنگ خلیج

خطوط کار ما در میان مهاجران کرد زبان صفحه ۳ قربانی گرفتن از شهروندان غیر نظامی اسرائیل را شدیداً محکوم میکنیم صفحه ۴



سر دبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران طول موج ۳۱ متر برابر با ۹۹۴۰ کیلوهرتز تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹ اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه نیم ساعت به زبان کردی

خمینی "ابرمرد" یا جنایتکار تاریخ؟

و نقش کسی چون خمینی به عنوان عامل اصلی این جنایات روشن تر می گردد، در هنگامی که حتی بخشی از نیروهای اپوزیسیون طرفدار رژیم و جناحی از حاکمیت جمهوری اسلامی در اثر فشار مبارزات مردم نمی توانند این سببیت و قتل عام را انکار کنند و زبان به انتقادهای نیمبند از این جنایات هولناک گشوده اند، اتحادیه میهنی کردستان در سالگرد مرگ خمینی در شهر سلیمانیه، مراسمی در گرامیداشت این جنایتکار تاریخ بر پا کرده و رئیس "حکومت" سلیمانیه برهم صالح در یک سخن رانی به تعریف و تمجید از خمینی پرداخته است. وی این جلا را نامیده و در ستایش وی سخن سرائی فرموده اند "سران احزاب ناسیونالیست کرد در عراق طی ۱۱ سال حاکمیت "همریم" به



صالح سرداری

درست در شرایطی که مردم ایران بعد از بیست و سه سال کشتار و اعدام و شکنجه و سیه روزی ای که جمهوری اسلامی بر آنان تحمیل کرده، می روند تا بساط این جانین را در هم ببیجند، درست در اوضاع و احوالی که دارد گوشه هایی از پرونده بیست و سه سال جنایت این ماشین کشتار برای جهانیان آشکار می شود

می گویند و می سرائند. هر ساله اینها در حسینیه سلیمانیه برای مرگ خمینی در حضور ماموران درجه چندم قرارگاه رمضان و سایر تروریست های رژیم در کردستان عراق سینه می زنند و روضه می خوانند و هر سال هم برایش القابی مانند "ابرمرد" تاریخ، "رمز موفقیت" و... می تراشند.

برهم صالح و جلال طالبانی که مرتب در سالگرد های مرگ خمینی در حسینیه شهر سلیمانیه تلاش کرده اند که جنایات جمهوری اسلامی و شخص خمینی را لاپوشانی کنند، خوب می دانند که اولین دستور حمله به دستاوردهای مردم که در ایران برای رفاه و آزادی انقلاب کرده بودند را شخص خمینی صادر کرد. اینها می دانند که فتوای ضد انقلابی بودن مردم کردستان که یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر را

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خمینی "ابرمرد" یا...؟

به دنبال داشت توسط خمینی صورت گرفت. اینها اگر خود را به فراموشی زده‌اند، بدانند که سرکوب خونین مردم در ۳۰ خرداد و برقراری دیکتاتوری خشن و بیرحم علیه دستاوردهای انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران به دستور خمینی و با موجی از شیعیترین کشتارها انجام گردید. اینها می‌دانند که خمینی رهبر و دستور دهنده به بند کشاندن صدها هزار انسان و اعدام بیش از صد هزار نفر از آنان بود. اینها خوب می‌دانند که خمینی وهیت سه نفره برگزیده از جانب شخص او سازمانده کشتار بیرحمانه همه زندانیان سیاسی در شهریور ماد سال ۶۷ بودند. بطوریکه تاکنون هم خانواده های قربانیان به خون کشیده شده نمی‌دانند عزیزانشان در کدام گورهای بی نام و نشان که کوهی از خاک رویشان ریخته اند مدفون هستند. حضرات حکام سلیمانیه با نام جلادانی چون لاجوردی و رحیم صفوی و جلاتی پور آشنا هستند. اما در عین حال با چنین مشاطه‌گری از جلادان مردم و تملق در بارگاه جانشینان "امام خمینی" (که سران اتحادیه میهنی با همین عنوان

از خمینی نام می‌برند) صراحتا اعلام میکنند که بدون سایه چنین موجودات جنایتکار و رژیم آنها حکومت آنها بر سلیمانیه معنائی ندارد. واقعیت این است که خمینی یکی از جنایتکارترین دیکتاتور قرن بیست و جایز درکنار هیتلر و موسولینی می‌باشد. این لحظات از چشم مردم متنفر از رژیم جانیان اسلامی پنهان نخواهد ماند.

اتحادیه میهنی با علم به تمام این واقعیات در چنین شرایطی از تعریف و تمجید از جلادی چون خمینی خم به ابرو نمی‌آورد و بعضی از نیروهای اپوزیسیون هم که مقرهایشان چند صد متر دورتر از محل برگزاری مراسم گرامی‌داشت خمینی قرار دارد، نظاره گران ساکت و بی تفاوتی بیش نبودند. حداقل برای ثبت در تاریخ و بخاطر "حفظ موضع" و رعایت دیپلوماسی در رابطه با مردم ایران میبایست از این اهانت آشکار به مردم ایران لب به انتقاد می‌گشودند.

اما اتحادیه میهنی و سران این جریان باید بدانند از نظر مردم زجر دیده ایران احزاب و جریاناتی که اینچنین رژیم جمهوری اسلامی و خمینی جلا

را تطهیر می‌کنند و همه واقعیات بیست و سه سال گذشته را نادیده گرفته و به دفاع از جمهوری اسلامی و خمینی و تطهیر کردن این ماشین جنایت فردای سرنوشتی جمهوری اسلامی باید به مردم ایران جوابگو باشند. یادشان باشد که شخص خمینی مسئولیت مستقیم مهم‌ترین مقاطع برقراری اختناق، کشتار و اعدام‌های دسته‌جمعی و در ملا

عام را بر عهده داشت. در اینجا لازم می‌دانم از حزب دمکرات کردستان و کومه له به عنوان دو نیروی اپوزیسیون که همه این حقایق را می‌دانند و این مراسم و تعریف و تمجید از خمینی در نزدیکی مقرات واردگاه‌هایشان صورت می‌گیرد، پرسش چرا باز هم سکوت می‌کنند. اگر اتحادیه میهنی با دلار و امکانات، سازمان زحمتکش را برای توجیه همین سیاست هایش درست کرده است، و کسی غیر از این از آنها توقعی ندارد، کومه له و حزب دمکرات چه توجیهی دارند؟

برهم صالح همان کسی است که دو ماه قبل کومه له به مناسبت یک اقدام تروریستی

کومه له انتظار داشته باشد که مردم کردستان این فرمول همیشگی یعنی "محظورات" دیپلماتیک را از او بپذیرند؟ آیا این محظورات چنان به اصول مقدس و توجیه کننده‌ای تبدیل شده‌اند که حتی قدرت اعتراض به آشکارترین اهانت آقای "ذکتر" برهم صالح به مردم ایران و کردستان ایران را از آنها سلب کرده است؟

از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane.com

در سایت روزنه می‌توانید نشریات و اطلاعیه های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه می‌توانید به

سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

مطالب، اطلاعیه ها و

نظراتتان را برای روزنه

بفرستید. rowzane@yahoo.com

نقشه های آمریکا...

در آمریکا میبرد و بعد از جلسه آنها را به فرانکفورت باز میگرداند. در جلسه علاوه بر سران دو حزب حاکم در کردستان عراق، برهم صالح و هوشیار زبیری حضور داشته‌اند. از جانب مقامات آمریکا، معاون سازمان سیا و چند مقام وزارت دفاع در جلسه بوده‌اند. سران دو حزب حاکم در کردستان عراق مطلقاً منکر چنان جلسهای هستند و قرار تماماً سری بودن آن را کاملاً رعایت کرده‌اند. با اینحال و علیرغم سکوت‌های اسرار آمیز، مقامات آمریکائی گفته‌اند که جلساتی برای مشورت با "متحدان" محلی خویش را داشته‌اند، مامورینی از سیا و وزارت دفاع منطقه تحت حاکمیت "دوستان" را بازدید کرده‌اند و وزارت دفاع مبلغی ۳ تا ۴ میلیون را در ازای همکاری احزاب مذکور با حملات احتمالی آمریکا به عراق به دو حزب حاکم در

اربل و سلیمانیه اختصاص داده است.

اخیراً رهبری اتحادیه میهنی حتی مسئولین خود در اروپا و آمریکا را از هر نوع اظهار نظر در باره نقشه و برنامه آمریکا منع کرده است. خود رهبران هر دو حزب فقط تا آنجا حاضر به اظهار نظر شده‌اند که بگویند در طرحهای آمریکا جایگاه آنها در صورت تغییر رژیم عراق مشخص نیست، آمریکا با ایجاد حکومت فدرالی بجای صدام حسین، در صورتی که بتوانند او را از قدرت ساقط کنند، موافق نیست. ترکیه متحد استراتژیک آمریکا اخیراً در باره تعلق "کرکوک" به عراق "یکپارچه" از طریق سازمان وابسته به میت خود، جبهه ترکمنی، که به نوبه خود از متحدین اتحادیه میهنی هم هست! به احزاب کردستان هشدار داده است که مبدا کرکوک را در نقشه‌های خیالی خود جزو کردستان به حساب آورند. تنها نکته‌ای که

احزاب حاکم در کردستان عراق قدری از آن ابراز خوشحالی دارند، این است که بهرحال در برنامه‌های آمریکا علیه عراق، آنها از حذف صدام خوشحال‌اند. اما تمام نکته همین جاست که اولاً حذف صدام در هر عملیات آمریکا بدون تحمیل مصیبت بر مردم عراق، همچون جریان جنگ خلیج، متصور نیست و ثانیاً مقامات آمریکائی نه در جریان جنگ خلیج و نه اکنون در مورد حقوق مردم کردستان و حتی وضعیت فعلی حاکمیت احزاب ناسیونالیست یک کلمه روشن و صریح نگفته‌اند. آمریکا این احزاب را در کنار مجلس اعلائی اسلامی عراق و مقامات ناراضی ارتش بعث و "شیعیان جنوب" در لیست "دوستان" نوشته است. در هرحال سران اتحادیه میهنی و حزب دمکرات در باره نقشه‌های آمریکا که زندگی مردم در آنها به بازی گرفته میشود، به سکوت اسرار آمیز و توطئه گرانه خود ادامه

میدهند و به مردم و حتی صفوف خود نگفته‌اند که در مذاکرات سری با مقامات سیا و پنتاگون چه سرنوشت سیاهی در انتظارشان است. آیا سناریو دیگری از آوارگی میلیونی در جریان است؟ آیا قرار است بعد از بمبارانها و خانه خرابیها شماری از فرماندهان ناراضی ارتش عراق را بعنوان پیروزی "دمکراسی" به قدرت برسانند و تمامیت ارضی عراق را با آب سردی بر سروروی سران ساده لوح ناسیونالیسم کرد حفظ کنند و رویای کودکانه فدرالیسم قومی را پوچ اعلام کنند؟ سران هر دو حزب حاکم در کردستان عراق خود نیز با درماندگی می‌گویند که مقامات آمریکا و پشتیبانان "کردها" هیچ چیز در باره جایگاهشان در نقشه‌های آمریکا به آنها نگفته‌اند، اما روحیه عشائری در سیاست مانع این است که اینها خطراتی را که متوجه مردم است با صراحت و شجاعت با همان مردم در میان بگذارند. مثل همیشه سران

خطوط کار ما در میان مهاجران کرد زبان (در اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا)

مقدمه:

طی چند دهه، بویژه در دهه گذشته، جمعیت کثیری از مردم کردزبان بخاطر مشکلات سیاسی و اقتصادی و از جمله جنگ و مشقات ناشی از مساله ملی، از ایران و عراق و ترکیه و سوریه به اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و نقاط دیگر جهان پناهنده شده و یا مهاجرت کرده اند. بیشتر این جمعیت، در اروپا و بخصوص آلمان متمرکز است. وضعیت کردزبانان مقیم آلمان از زاویه شکاف و تفرقه ملی ای که بر آنان تحمیل کرده اند، تیبیک و شایان توجه است: از دو میلیون مهاجری که طی چند دهه از ترکیه به آلمان رفته اند، نیم میلیون کردزبان اند؛ دلیل مهاجرت همه عمدتاً یافتن کار و بهبود معیشت است، ولی تداوم جنگ و کشمکش حول مساله کرد در ترکیه، بر متن یک تقابل وسیعتر شوروی و غرب در منطقه، این مهاجران را در آلمان هم دوشقه کرده است. عامل این شکاف روشن است. نقش مخرب ناسیونالیسم در دهه گذشته در ایجاد شکاف و تفرقه در صف مردم در نقاط مختلف جهان برجسته بوده است. تا آنجا که به مردم کردزبان برمیگردد، در ادامه چندین دهه ستمگری ملی رژیمهای استبدادی منطقه و کشمکش جریانات ناسیونالیست کرد با آن رژیمها بر سر سهمگیری از قدرت محلی، در آغاز دهه قبل مشخصاً جنگ خلیج و تحولات کردستان عراق، منجر به عروج مجدد جنبش ملی کرد تا سطح یک عنصر پابرجا در معادلات سیاسی و همچنین در رونای ایدئولوژیک - سیاسی منطقه شده است. با تقویت ناسیونالیسم در هر دو سو و گسترش شکاف میان

مردم کرد و غیرکرد در منطقه، این شکاف و این آرایش ایدئولوژیک - سیاسی به صفوف کردزبانان در کشورهای اروپایی و غیره هم امتداد یافته و بسهم خود به ایجاد باصطلاح "جوامع یا کامیونیتی های کردی" کمک کرده است.

احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق در سالهای اخیر مصاف پیگیری علیه همه شعب ناسیونالیسم درگیر در مساله کرد، اعم از دولتی و اپوزیسیونی، پیش برده اند. در ادامه این مصاف، هیات اجرایی کمیته کردستان طرح پیشنهادی زیر را به کادرها و نهادها و تشکیلاتهایی که درگیر این عرصه هستند ارائه میکند و ضروری میدانند که فعالیت در میان مهاجران کردزبان مقیم اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا بر پروژه های هدفمندتری استوار شود. خطوط کار در این عرصه، که با کمپین ها و پروژه های کنکرت میتواند ادامه یابد، از این قرار است:

۱- تامین حضور و فعالیت گسترده کمونیسم کارگری، به معنی حضور فعال کادرها و در دسترس بودن ادبیات ما به فارسی، کردی و حتی الامکان انگلیسی، عربی، ترکی و هر زبان دیگر، در مجامع و اجتماعات کردزبانان. آن بخش از اعضای شورای تشکیلات کردستان که در خارج عناصر فعال این عرصه هستند، ضروری است که سهم خود را در هماهنگی با پروژه های مطرح شده ادا کنند. واضح است که این فعالیت، معطوف به کل اهداف و برنامه و سیاستهای ماست و به مساله کرد محدود نمیشود، گرچه این مساله جزء ثابت فعالیت سیاسی و آگاهگرانه ما در این قلمرو است. محدود شدن فعالیت در این عرصه به مساله ملی، پذیرفتن این صورت مساله ناسیونالیستی است که

گویا مساله "کردها" صرفاً ملی است!

۲- آنچه اصطلاحاً "جوامع کردزبان"، "کامیونیتی های کردی"، "دیاپسورای کردی" - و غیره نام گرفته اند، جوامع و تجمعات واقعی ای نیستند که گویا توسط خود کردزبانان مهاجر، از سر همبستگی ملی، قومی، زبانی و یا اشتراک در سرنوشت سیاسی شکل گرفته اند. واقعیت اینست که شبکه وسیعی از تشکل های سیاسی و فرهنگی مرتبط با جنبش ناسیونالیسم کرد، مرکب از نهادها، انجمن ها، رادیوها، تلویزیونها، نشریات، تجمعات، مراسم ها، مناسبت ها، سنتها، راه و رسم ها، فستیوالها و غیره که همگی راساً توسط احزاب و جریانات سیاسی ناسیونالیست کرد اداره و تغذیه میشوند، در میان کردزبانان مهاجر فعالیت میکنند و از طریق فعالیت این شبکه هاست که کردزبانان مهاجر گرد هم آورده میشوند و در قالبهای سیاسی، هنری و فرهنگی، موضوع تاثیرگذاری ناسیونالیستی قرار میگیرند. برای داشتن تصویری واقعی از این شبکه وسیع فعال در میان جمعیت کردزبان مقیم خارج، باید توجه داشت که علاوه بر تلویزیونهای دولتی منطقه که زندگی این مهاجران را در خارج زیر پوشش گرفته اند، تلویزیونهای پیک، پارتی و ینک نیز شبانه روز در منازل بخش وسیعی از کردزبانان حضور دارند. "کامیونیتی های کردی" چیزی جز تجلی فعالیت های این شبکه گسترده نیست. واضح است که در مقایسه با "گتوهای قومی جافتاده تر در میان مهاجران ایران، ترکیه، هند، پاکستان، بنگلادش، کشورهای عربی، هندوچین، سومالیا و .. در مورد مهاجران کردزبان هنوز با قطعیت نمیتوان از وجود چنین "کامیونیتی" هایی صحبت

کرد، گرچه با تلاش نیروهای ناسیونالیست کرد، بویژه دو حزب حاکم کردستان عراق، این پروسه در حال پیشروی است. در هر صورت با توجه به اینکه مساله ملی، شوینیسیم، ناسیونالیسم و مذهب، دائماً کردزبانان مقیم خارج را تعقیب میکنند، جدال ما با این جریانات، به خارج هم امتداد یافته است.

۳- جدا از میزان پیشروی ناسیونالیستها در شکل دادن به "گتوهای کردی، جمعیت کثیر مهاجران کردزبان و روند روزافزون مهاجرت از مناطق کردنشین به خارج، فعالیت سیاسی و آگاهگرانه کمونیستی در میان مردم کردزبان را به صورت "دو حوزه ای" (داخل و خارج) درآورده است.

۴- علاوه بر رژیمهای منطقه و جریانات ناسیونالیست کرد، ساختار اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشورهای غربی و عملکرد تراسیستی و ارتجاعی "نسبیت فرهنگی" هم به رشد گرایشات ناسیونالیستی و انزواگرایانه در میان این بخش از مهاجران دامن میزند.

۵- در برابر همه اینها، ما باید بکوشیم مکانیسمها و ابزارهای اجتماعی نظیر نهادها و رسانه ها را برای تاثیرگذاری گسترده به خدمت بگیریم. تجربه تاکونوی نهادهای ما در سوئد بویژه در ارتباط با مسائل زنان و کودکان مهاجر، پانل گذاشتن ها، تاسیس رادیوهای کردی زبان و غیره کارایی این ابزارها و ناگزیری استفاده از این مکانیسمها برای پیشبرد یک مبارزه گسترده و موثر را نشان داده اند. ایجاد چنین نهادهایی به ما قدرت مانور، شکستین بایکوت ضدکمونیستی و توان بدست گرفتن ابتکار عمل و دست بالا پیدا کردن میدهد، امکان میدهد که ناچار نشویم همیشه در زمین آنها و طبق قواعد آنها بازی کنیم، بلکه در امتداد نفوذ و اعتبار سیاسی مان در کردستان، در خارج هم با تکیه به امکانات خود، دیدگاهها و سیاستهای کمونیستی مان را به میان جمعیت کردزبان ببریم. علاوه بر

اصلی ترین ابزارمان یعنی حزب، کادرها، نشریات، و غیره، باید روز به روز امکانات پیرامونی و روش استفاده از مکانیسمهای اجتماعی را گسترش دهیم بطوریکه در قدم اول و در کوتاه مدت بتوانیم در هر کشور و هر شهر، موقعیت یک تازانه جریانات ناسیونالیست را بشکنیم و به کمک امکانات متنوعی که در این کشورها در دسترس اند، آلترناتیو کمونیستی مان را در برابر آنها تثبیت و به یک رکن ثابت و رشدیابنده در حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کردزبانان خارج بدل کنیم.

۶- شرکت کادری تشکیلات کردستان در پانها و فعالیت های مرتبط با حیات سیاسی و فکری و فرهنگی کردزبانان مهاجر یک ضرورت عاجل است که باید بصورت هماهنگ و سازمانیافته به آن پاسخ بدهیم. علاوه شمار بیشتری از کادری تشکیلات کردستان از توان و ظرفیت تاثیرگذاری بر حیات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی مهاجران کردزبان برخوردارند که به دلائل مختلف هنوز توان و ظرفیت خود را فعال نکرده اند. این رفقا هر اندازه در فعالیت های رو به ایران و یا کشور محل اقامتشان به چهره های شناخته شده و باثوریته تبدیل شوند، امکان تاثیرگذاری شان در محیط زندگی و فعالیت کردزبانان بیشتر میشود. باید توجه شایسته و سریعی به این مساله نشان بدهیم. دخالت در مسائلی مانند انتگراسیون و موانع آن، دفاع جدی و قاطع از حقوق جهانشمول زنان و کودکان در خانواده های مهاجر کردزبان و در این زمینه ها تشکیل انجمن ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، یک بعد مهم از کار در میان این بخش از مهاجران است.

۷- مساله کرد و کلا مباحث سیاسی و نظری مرتبط با مساله ملی، به دلیل هژمونی



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قربانی گرفتن از شهروندان غیرنظامی اسرائیل را شدیداً محکوم می‌کنیم

در روزهای اخیر بار دیگر تروریسم اسلامی جان دهها شهروند غیرنظامی اسرائیل را در محیط عادی کار و زیست شان گرفت و به شمار بازم بیشتر آسب جسمی و روحی وارد آورد. حزب کمونیست کارگری ایران شدیداً این ترورها را محکوم میکند و همدردی عمیق خود را به بستگان و دوستان همه قربانیان این جنایات ضدبشری اعلام میدارد.

هیچ درجه ای از توحش فاشیستی دولت اسرائیل علیه مردم ستمدیده فلسطین، این جنایتکاری عربان را سرسوزنی توجیه نمیکند و تخفیف نمیدهد. تروریسم اسلامی مبارزه عادلانه مردم فلسطین را به انحراف میکشد و مستقیماً به توجیه ادامه اشغال و سرکوب اسرائیل خدمت میکند. این ترورها بخشی از پروژه جریانات اسلامی برای تولید و بازتولید نفرت و

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ ژوئن ۲۰۰۲

زنان زحمتکش علیه فقر! آیا ما جزئی از شهروندان این کشور محسوب میشویم یا نه؟

به ما میگویند شما اخلاک‌گر فرامیخواند. هستید... <<

اعتراض زنان شهرک قدس ادامه اعتراض مردم شاتره است. ادامه اعتراض مردم آبادان است. ادامه اعتراض کارگران، معلمان، جوانان، و زنان است. حلقه‌ای از حرکت عظیم مردم زحمتکش و عاصی‌ای است که خواب را بر مرتجعین اسلامی حرام کرده است. همه این جنبشها در یک خواست مشترکند: جمهوری اسلامی را نمیخواهند. این اولین شرط رهائی مردم از فقر و نابرابری، از سرکوب و بیحقوقی و پیش شرط یک جامعه انسانی و سوسیالیستی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ خرداد ۱۳۸۱
۱۹ جون ۲۰۰۲

روز سه شنبه ۲۸ خرداد زنان شهرک قدس در اعتراض به عدم وجود امکانات اولیه رفاهی و بهداشتی، آب آشامیدنی، برق، جاده اسفالت، فاضلاب و ...، به خیابانها آمدند. این زنان در مقابل شهرداری مشهد شعار دادند و به رژیم اسلامی اعتراض کردند. بیش از دو سال است که بخشداری، شهرداری و استانداری منطقه از پاسخ به خواستهای عادلانه این مردم زحمتکش سر باز زده است. نماینده این زنان زحمتکش گفت: <<ما میگویند خارج از محدوده هستید. اگر خارج از محدوده هستیم پس چرا از ما عوارض و مالیات دریافت میکنند؟ چرا خانه هایمان را تخریب میکنند؟ ... جواب ما را بدهید؟ آیا ما جزئی از شهروندان این کشور محسوب میشویم یا نه؟>> این نماینده زنان همچنین در اعتراض به عکس العمل سرکوبگرانه رژیم اسلامی گفت: <<هنوز شهردار را ملاقات نکرده‌ایم! فقط ماموران حراست شهرداری هستند که توانسته‌ایم آنها را ملاقات کنیم. آنها هم دائماً

سخنرانان "پانل": طارق اسماعیل - انستیتوی تقویت سکولاریسم در جوامع اسلامی اعظم کم گویان - هماهنگ کننده و سخنگوی کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه

اسلام، سکولاریسم و حقوق انسان

یکی از مجموعه پانلهایی است که توسط کنگره جهانی "اتحادیه بین المللی سازمانهای سکولاریست" سازماندهی شده است. این کنگره به مدت سه روز از ۳ تا ۶ جولای ۲۰۰۲ در ر هلند برگزار می شود.

خطوط کار ما در میان مهاجران کرد زبان

بالیفعل ناسیونالیسم و جنبش ملی کرد و احزاب و نهادهای گوناگون آن در میان کردزبانان مهاجر، بحث های داغ و رایجی هستند که شرکت ما در جدل های سیاسی مرتبط با آنها، از راه حضور در جلسات سخنرانی، سمینارها و پانلها (چه بعنوان پانلیست و چه در سالن) و نوشتن کتب و جزوات و مقالات بویژه به زبان کردی را ضروری میکند. گرچه کار ما در میان کردزبانان مهاجر نباید به عرصه مساله ملی و مساله کرد محدود شود، اما

تسلیمه نسرین - نویسنده، منتقد مسائل اجتماعی مینا فروج - فعال حقوق زنان کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه

همهانگی با تشکیلات خارج کشور حزب، فعالیت آن بخش از کادرهای تشکیلات کردستان در گیر این فعالیت در خارج را در عرصه کار در میان مهاجران کردزبان هیئت اجرایی کمیته کردستان هدایت و هماهنگ میکنند. □

هیات اجرایی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری مه ۲۰۰۲

کنتاکتها در حد امکانات شخصی و اجتماعی، تبادل ایمیل و آدرس و تلفن، در دسترس قرار دادن حزب و رهبران و کادرهای آن برای طیف هرچه وسیعتری از فعالین سیاسی و توده مردم کردزبان مهاجر و کارهایی نظیر اینها، برای ما اهمیت ویژه دارند. تهیه mailing list، احزاب، انجمنها، نهادها، نشریات، رادیوها، تلویزیونها، مجامع، شخصیت های سیاسی و روشنفکری فعال در میان کردزبانان مهاجر، یک اولویت عاجل این دوره که سریعاً باید تکمیل شود. ارسال نشریات و معرفی سایتهای مان در میان کردزبانان مهاجر از اولویتهای این دوره است. واضح است که هماهنگی با واحدهای خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق و پیگیری کنکرت این امر در هر کشور و شهر، یک رکن اساسی پیشرفت کار ماست.

۸- با حرکت از خطوط و نقطه عزیمت های بالا، در هر دوره، از طریق ارائه نقشه عمل ها، اقدامات فوری و دادن رهنمودهای کنکرت تر، در